



تهیه و تنظیم:  
مسعود موسوی

### اشاره

دکتر آقائی نیا، دانشیار دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، با سابقه‌ای ۵۰ ساله در امر ورزش به عنوان ورزشکار، مدرس و مدیر فعالیت داشته و دارد. وی مبحث «حقوق ورزش» را از سال ۱۳۵۵ تاکنون در دانشکده‌های تربیت بدنی تدریس کرده و متجاوز از ۳۰۰ سخنرانی در این ارضیات بر سراسر کشور داشته است. کتاب‌ها و مقالات بسیاری نیز در این زمینه تدوین و ترجمه کرده است. در این شماره از فصل نامه، گفت‌وگویی را با ایشان در ارتباط با دو موضوع «ورزش در آموزش و پرورش» و «وظایف معلمان ورزش در برابر قانون» ترتیب داده‌ایم که می‌خوانید.

## گپی با دکتر آقائی نیا، متخصص حقوق ورزشی

# باور کنیم، باور کنیم اهمیت ورزش دانش آموزی را

آموزش و پرورش و در قانون اساسی به شکل کاملاً شفاف عیان می‌کند. به این معنا که از جمله‌ی فوق می‌توانیم موارد زیر را استنباط کنیم:

۱. تربیت بدنی با آموزش و پرورش و همچنین آموزش عالی در یک ردیف دیده شده است. معنایش این است که تربیت بدنی هم یک نهاد فرهنگی است و صرفاً مبحث تنومندی و تن پروری در آن مطرح نیست.
۲. تربیت بدنی در ردیف آموزش و پرورش دیده شده است و نه در دل این مجموعه. یعنی می‌توان گفت، تربیت بدنی خود آموزش و پرورش است. و مقوله‌ای مستقل و جداگانه نیست.
۳. حتی در قانون اساسی، تربیت بدنی بر آموزش عالی ارجح دانسته شده است. به این معنا که تأکید می‌شود: «تربیت بدنی رایگان و الزامی برای همه در تمام سطوح». اما در آموزش عالی بحث تعمیم و تسهیل را مطرح می‌کند و این جای تعمق بسیار دارد.

• **آقای دکتر، حال با توجه به دقت و نظر بسیار مثبت قانون اساسی به امر ورزش، در عمل، ورزش در آموزش و پرورش در چه شرایطی قرار دارد؟**

○ در حال حاضر سرانه‌ی ورزشی و اعتبارات آن در آموزش و

• **آقای دکتر چه تفاوتی بین تعامل آموزش و پرورش و سایر سازمان‌ها با مقوله ورزش وجود دارد؟**

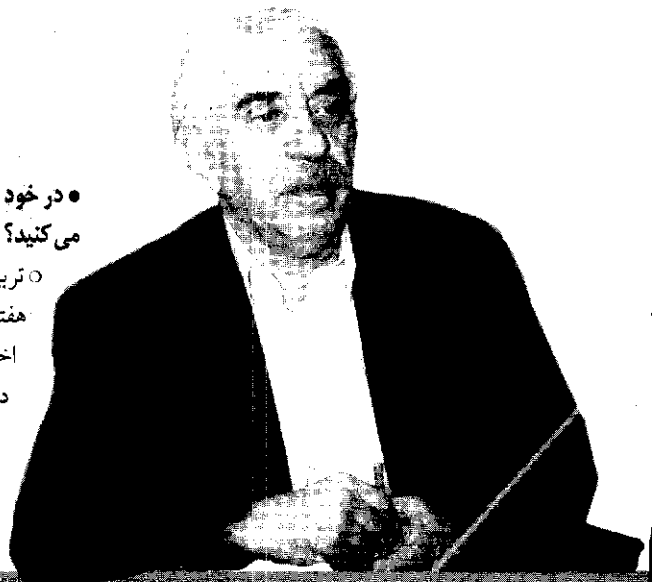
○ بررسی این تفاوت را باید در ابتدا از ریشه آغاز کرد؛ یعنی ابتدا باید ببینیم، چه تعریفی از ورزش در آموزش و پرورش داریم و سپس تفاوت‌ها را جست‌وجو کنیم. متأسفانه در طی تاریخ، هرچند چنین نیست اما تعریف ورزش تابعی از سلیقه‌ی مسئولان بوده و این اختلاف در سلیقه‌ها الزاماً نتایج منفی در بر داشته است. اما به نظر من بهترین راه برای رسیدن به تعریف جامع و کامل از ورزش در آموزش و پرورش، استناد به قانون اساسی است. در اصل دوم قانون اساسی، به عنوان یک هدف نهایی و به شکل کاملاً شفاف آمده است: «تربیت انسانی کریم با ارزش‌های والای انسانی، آزاد و مسؤول در برابر خداوند متعال». و سپس در اصل سوم قانون اساسی می‌خوانیم: «دولت موظف است، تمام امکانات خود را برای نیل به هدف‌های اصل دوم پیش‌بینی کند و به کار گیرد و برای رسیدن به این هدف نهایی تلاش کند.»

و باز در اصل سوم قانون اساسی می‌خوانیم: «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تعمیم و تسهیل آموزش عالی.»

نگاهی جدی و عمیق به مطلب فوق، جایگاه ورزش را در



• دوری هفتم • شماره ۱  
• پاییز ۱۳۸۵



## ● در خود مدرسه ها، توجه به امر ورزش را چگونه ارزیابی می کنید؟

○ تربیت بدنی در آموزش و پرورش تبدیل شده است به هفته ای دو ساعت که فاصله ای عمیق بین این زمان اختصاص یافته و اصل دوم و سوم قانون اساسی وجود دارد. برای رسیدن به هدف های مهم و سرنوشت ساز در زمینه ی ورزش در آموزش و پرورش و سنین پایه، باید کلان فکر کنیم و با برنامه ریزی کلان به نتایج مطلوب برسیم. این امر با نگاهی که می گوید: نیازی به تربیت معلم ورزشی برای مدرسه ها نیست و می توانند معلمان درس های دیگر با دیدن دوره ای ده بیست ساعته این وظیفه را انجام دهند، کاملاً در

تضاد و تقابلی است. ما در دوره ی ابتدایی اصولاً معلم ورزش نداریم. گاهی هم نمره ی ورزشی تقویتی می شود برای نمرات ادبیات و ریاضی. پس آنچه انجام می شود، بر قانون اساسی منطبق نیست و هدف های قانون اساسی با ۱/۵ ساعت ورزش پیاده و اجرا نخواهد شد. همان طور که گفته شد، باید هدف هایی را ترسیم، و در راستای آن ها حرکت کنیم.

## ● این هدف ها چه هستند و مسیر دستیابی به آن ها چیست؟

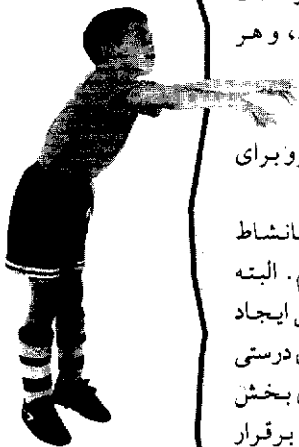
○ هدف کل «تربیت نیرو برای توسعه ی پایدار» است. توسعه ی پایدار پایه ی رشد انسان است؛ انسانی که سه ویژگی توانمندی، سلامت و نشاط را باید با خود داشته باشد و این سه ویژگی فقط و فقط و منحصرأ با ورزش به دست می آیند. حال این انسانی که می خواهد و باید توسعه ی پایدار را محقق سازد، باید چه شرایطی داشته باشد؟ او باید از ابتدای تحصیل در مدرسه ها و ۱۲ سالی که در اختیار ما قرار دارد، با ایده آل ترین شرایط پرورش یابد. هر قدر از این ایده آل ها دور شویم، ضرر و نقصان بیش تری متوجه ورزش و نوجوانان کشورمان می شود، و هر قدر نزدیک تر شویم، موفق تر و سربلندتر خواهیم بود.

به این ترتیب، ورزش وسیله ای مهم برای رسیدن به سلامت، نشاط و توانمندی و در کلام آخر، تربیت نیرو برای توسعه ی پایدار می شود. افتخار یک کشور داشتن میلیون ها جوان سالم و بانشاط است و این امر را نمی توانیم فدای قهرمان پروری کنیم. البته هیچ عقل سلیمی با قهرمانی مخالف نیست. قهرمانی ایجاد انگیزه است برای فعالیت بیش تر. اما باید ارزش گذاری درستی داشته باشیم؛ هم برای بخش عمومی و هم برای بخش قهرمانی و تعامل بسیار دقیق و مهمی بین این دو برقرار کنیم.

پرورش برای هر دانش آموز به ۱۰۰۰ تومان نمی رسد که اگر بخواهیم مقایسه ای در این رابطه با ورزش به اصطلاح حرفه ای کشورمان داشته باشیم، نتایج خود گویای امر هستند. اگر بودجه ی یک تیم فوتبال لیگ برتر کشور را برای یک فصل در نظر بگیریم، متوجه می شویم که برای ۲۵ بازیکن به طور متوسط مبلغ ۴ تا ۵ میلیارد تومان از بودجه ی دولت هزینه می شود؛ یعنی برای هر بازیکن به تقریب مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان. چگونه است که برای یک نفر می توان مبلغ فوق را اختصاص داد، اما برای آموزش و پرورش، این اقیانوس پر از گوهر ناب و آینده ساز، حاضر نیستیم هزار تومان هزینه کنیم و در سال اختصاص دهیم؟ پس به آنچه که در قانون اساسی آمده، به خوبی عمل نکرده ایم و در راستای آن حرکت نمی کنیم.

## ● این مشکل را در ارتباط با نهادهای مطرح در ورزش کشور، مانند فدراسیون ها، چگونه می بینید؟

○ فدراسیون ها نیز به عنوان متولیان ورزش کشور و به خصوص بسترهایی که می توانند به شکل کاملاً اصولی، ورزش را به جایگاه اصلی اش برسانند، در این رابطه همکاری های لازم را با آموزش و پرورش ندارند. برای مثال، فدراسیونی طی یک قرارداد منعقد با آموزش و پرورش، از مدرسه ای ۳۰۰ نفره بازدید می کند و دو نوجوانان و جوان بالای دو متر قدر را برای پرورش رشته ی ورزشی خود برمیگزیند و به این ترتیب، ظاهراً مسؤولیت و نقش خود را به انجام می رساند. اما باید پرسید: پس ۲۹۸ نفر بقیه چه می شوند؟ آن ها قرار است در ورزش کشور چه نقشی داشته باشند و چگونه باید به حق قانونی خود از نگاه اصولی قانون اساسی برسند؟ نقش فدراسیون ها در این ارتباط چگونه است؟



**• به نظر شما آیا می‌توانیم همان بوده‌ای را که به ورزش قهرمانی اختصاص می‌دهیم، در ورزش آموزش و پرورش هم هزینه کنیم؟**

○ قطعاً با حضور ۱۸ میلیون دانش‌آموز، چنین امری محال است. اما بین ورزش قهرمانی و عمومی باید تناسب ایجاد شود. اگر به یک قهرمان دانشگاهی ۵۰ میلیون اختصاص می‌دهیم، در آموزش و پرورش حداقل ۲۰ هزار تومان را که می‌توانیم طی یک سال برای هر دانش‌آموز در نظر بگیریم و این امر امکانپذیر است. ما با مجموع این پول‌ها می‌توانیم، امکانات ورزشی مناسبی بسازیم که هر دانش‌آموز بتواند، سه جلسه در هفته تمرین کند، طی هفته استخری در اختیار داشته باشد، و در زمستان هم در سالن‌های سرپوشیده ورزش کند. این اقدامات با برنامه‌ریزی، و با کمک و استفاده از نظرات کارشناسان هم شدنی هستند و در مجموع، دستاوردها بسیار عظیم و درخور خواهند بود.

**• ممکن است اشاره‌ای به این دستاوردها داشته باشید؟**

○ البته. اگر برای مثال، دانش‌آموزی طی ۱۲ سال تحصیل خود ورزش کند، در مسابقات حضور یابد، و در ارتباط با آموزش و پرورش به نحو مطلوب عمل کند، موارد زیر را به او آموخته‌ایم:

۱. قانونمندی را درک می‌کند. او می‌فهمد که باید در ساعتی خاص حضور یابد، داور را بشناسد، امر قضاوت را بداند، خطاها را بشناسد و بداند که در برابر خطای وی، واکنش مجازات است.
۲. فعالیت جمعی و کار گروهی و تیمی را به او آموخته‌ایم و سرمشقی مهم و تأثیرگذار در زندگی اجتماعی به وی داده‌ایم.
۳. مقاومت در برابر شکست را می‌فهمد و پی می‌برد که شکست بخشی از زندگی است.
۴. دوباره برخاستن پس از شکست، و مبارزه تا پیروزی را می‌آموزد.
۵. و می‌آموزد که پیروزی حاصل فداکاری است.

با این اوصاف، او برای آینده‌ی زندگی خود تربیت خواهد شد. هیچ درسی این‌گونه نیست و این تأثیرات را بر دانش‌آموز نخواهد گذاشت پس باور کنیم، باور کنیم اهمیت ورزش دانش‌آموزی را!

**• جناب دکتر آقایی‌نیا، حال یا توجه به تخصص شما در امر «حقوق ورزشی» بهتر است به این مقوله بپردازیم که از نظر حقوقی، تفاوت یک معلم ورزش با سایر معلمان چیست؟**

○ با توصیف این بخش قطعاً می‌توانیم بار دیگر به نقش معلمان ورزش و اهمیت کار آنان پی ببریم. باید بگوییم که معلم ورزش

در مقابل تمامیت جسمانی، روانی و حیثیتی دانش‌آموز مسؤولیت قانونی دارد و قصورش در انجام این وظایف می‌تواند، به واکنش شدید قانون علیه وی منتهی شود. در تکمیل این بخش باید معلم ورزش بداند که جهل به قانون نافع مسؤولیت وی نیست و مسؤولیت معلمان ورزش را در این رابطه به هیچ وجه نمی‌توان قابل قیاس با مسؤولیت معلمان دیگر درس‌ها دانست.

ورزش یکی از خطرناک‌ترین فعالیت‌های اجتماعی است؛ چون دارای زمان نامحدود، فضای نامحدود و جغرافیای نامحدود است. اگر دانش‌آموزی توقع حضور در مسابقات، حضور در اردوهای ورزشی و... خدای ناکرده صدمه‌ای ببیند، نقص عضوی پیدا کند و... مسؤولیت همه و همه بر عهده‌ی معلم ورزش است و این وظیفه‌ی مهم به وی محول شده است. اگر اذعان داشته باشیم که: «هر قدر انسان‌ها مهم‌تر باشند، وظایفشان هم مهم‌تر است»، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که معلمان ورزش بسیار بسیار ارزشمندند و نقشی حیاتی در زمینه‌ی سلامت جوانی، روحی و روانی دانش‌آموز بر عهده دارند.

**• معلم ورزش برای انجام این مسؤولیت خطیر خود چه وظایفی دارد؟**

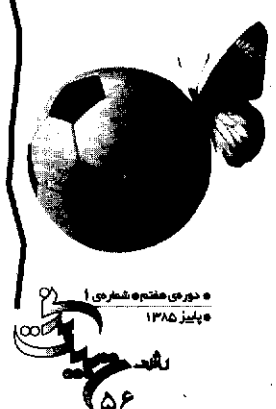
○ وظایف او بسیار متنوع و متعدد است که در این بخش به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

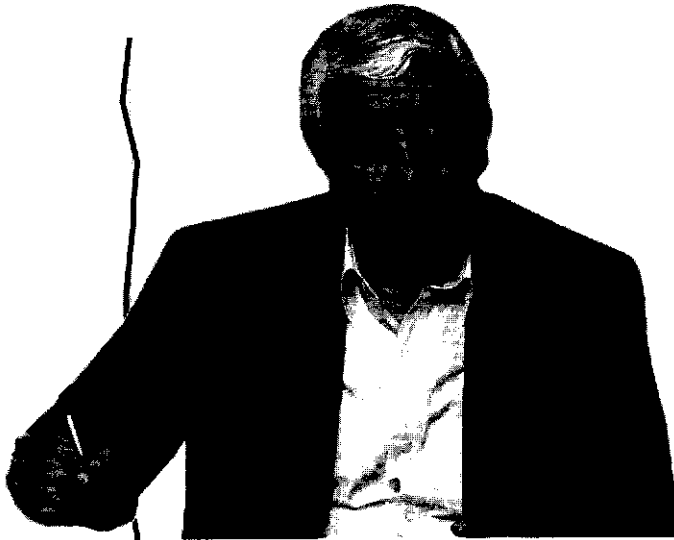
۱. آگاهی از چگونگی سلامت دانش‌آموزان

معلم ورزش، قبل از ورود دانش‌آموز به مکان ورزشی، باید سلامت وی را برای ورود احراز کند و این امر به شکل‌های متفاوت، مانند تشکیل پرونده‌ی بهداشتی، معاینه‌ی حضوری، گرفتن اطلاعاتی از خانواده‌ی وی و تأییدیه‌ی پزشک امکانپذیر است تا با اطلاعات کاملی، امکان حضور دانش‌آموز در زمین ورزش فراهم شود.

۲. آموزش کمک‌های اولیه

معلم ورزش الزماً باید آگاهی کاملی از کمک‌های اولیه داشته باشد، تا اگر خدای ناکرده اتفاق خاصی افتاد، وی بتواند در اسرع وقت خدمات و اقدامات اولیه را تا رسیدن به پزشک برای دانش‌آموز انجام دهد. وی باید بداند، نداشتن کمک‌های اولیه در مدرسه برای معلم ورزش موجب مسؤولیت است و قانون بی‌اطلاعی و آموزش ندیده بودن وی را در این بخش پذیرا نیست. و حال می‌شود این سؤال بدون پاسخ را مطرح کرد که: واقعاً این امکانات اولیه‌ی بهداشتی و دارویی، در چه تعدادی از مدرسه‌های ما وجود دارد؟ وقتی که امکان حضور یک پزشک و یک آمبولانس در هر مدرسه‌ی کشور قطعاً وجود ندارد، آگاهی معلمان ورزش از مباحث کمک‌های اولیه قطعاً یک





ضرورت است.

### ۳. آگاهی از مسؤولیت قانونی

آموزش و آگاهی از این امر که آموزش فعالیت‌های ورزشی یک تکلیف قانونی برای معلم ورزش است، ضرورت دارد. چون با آموزش می‌توانیم، جلوی خیلی از حوادث ناخواسته را بگیریم، هرگونه قصور و ساده‌انگاری در این ارتباط، موجبات برخورد‌های قانونی با معلمان ورزش را فراهم می‌سازد.

### ۴. حضور مستمر در زمین ورزش

معلم ورزش در زمان فعالیت دانش‌آموزان، به هیچ‌وجه حق ترک زمین و مکان تمرین را ندارد. اگر در غیاب حتی چند لحظه‌ای وی، اتفاقی بیفتد، او باید در مقابل قانون جوابگو باشد.

### ۵. ارجاع فعالیت‌های ورزشی متناسب با توانمندی‌ها

معلم ورزش هیچ‌گاه حق ندارد که جدا از ظرفیت آموزشی، فیزیکی و استعدادی دانش‌آموز، و بیش‌تر از توانمندی‌های وی، فعالیت‌هایی را به او تحمیل کند و انتظار دستاورد مثبتی را داشته باشد. گاهی معلم ورزش، به دلیل نداشتن اطلاعات کافی درباره‌ی شرایط جسمانی دانش‌آموز و پیگیری نکردن مطلوب با تمرینات آماده‌سازی، در طول مسابقات، فشار بیش از حد توانی را به دانش‌آموز برای رسیدن به سکوی برتر مسابقات دانش‌آموزی وارد می‌کند. اگر این امر موجب آسیب رسیدن به دانش‌آموز شود، قطعاً معلم ورزش مسؤول خواهد بود و پاسخگو.

### ۶. حضور فیزیکی و فعال در صحنه‌های ورزشی

معلم ورزش، برای مثال باید برای موارد غیر قابل پیش‌بینی، آدرس و کروکی بیمارستان منطقه را در دفتر خود داشته باشد، شماره تلفن اورژانس و حتی تاکسی سرویس‌های منطقه را نیز داشته باشد تا در موارد ضروری که زمان در سلامت دانش‌آموزی حرف اول را می‌زند، فرصت‌ها را از دست ندهد. این امر با نگاه متعهدانه و کارشناسانه‌ی معلم ورزش به شغل خودش، امکانپذیر است.

• وظایفی که شما مطرح فرمودید، قطعاً بسیار مهم هستند، اما واقعاً چند درصد از مدرسه‌ها و معلمان ورزش با آگاهی از این امر عمل می‌کنند؟

• شاید بتوان گفت، هیچ‌گاه تشکیلاتی در کشورمان سازماندهی نشده است که با جمع‌بندی حوادث ورزشی پیش‌آمده برای دانش‌آموزان، ارزیابی آن‌ها، و سپس اتخاذ تصمیمات اصولی در این زمینه، از تکرار حوادث جلوگیری کنند.

ما هیچ‌گاه به دنبال ریشه‌یابی نبوده‌ایم و اصولاً چنین ساختاری هرگز مطرح نبوده است. تا وقتی که صرفاً موردی و

در کوتاه‌مدت و یا به دلیل اتفاق افتادن صدمه‌ای و ایجاد مشکلی به فکر ایجاد تسهیلاتی بیفتیم، باید همچنان منتظر بمانیم که دانش‌آموزان از نقص وسایل تمرینی و بی‌اطلاعی معلم ورزش آسیب ببینند و مشکلات عدیده‌ای در این رابطه پیش آید. معلم ورزش وقتی بداند که تمام مسؤولیت خروج دانش‌آموز از مدرسه برای شرکت در مسابقات، اردوها و... متوجه اوست، حتماً به این امر توجه خواهد کرد که برای همه‌ی این موارد باید مجوز کتبی اولیای دانش‌آموز را داشته باشد که خوددیده‌ی خود از بروز خیلی مسائل جلوگیری خواهد کرد. وی با بررسی تمام مکان‌ها و امکانات ورزشی قبل از استفاده‌ی دانش‌آموز، می‌تواند صدمه‌پذیری وی را به حداقل برساند. به این ترتیب می‌توانیم بار دیگر به تفاوت معلم ورزش و معلمان درس‌های دیگر برسیم و به آن در جهت انجام کیفی‌تر فعالیت‌های خود بیش‌تر ببندیم.

• جناب آقای دکتر آقایی‌نیا، در پایان این بخش از گفت‌وگو با جناب عالی، درخواست برای گفت‌وگو با معلمان ورزشی دیگر و درباره‌ی سایر مقوله‌ها، در پایان اگر مطلبی خاص است بفرمایند؟

• مشکل مادر ورزش دانش‌آموزی و آموزش و پرورش، مشکل سخت‌افزاری است و تا زمانی که فضاها و مکان‌های ورزشی ساخته نشوند و در اختیار دانش‌آموز قرار نگیرند، هیچ برنامه‌ای اجرا نشده است و هیچ دورنمای مهم و ایده‌آلی در برابر ما قرار ندارد. با افزایش معلمان ورزش، مشکل نیروی انسانی حل می‌شود، ولی اول باید سالن و امکانات وجود داشته باشد. سالن لوکس هم ملاک نیست. وجود دستگاه‌های حرارت و برودتی کافی است و می‌توان با حداقل‌ها آغاز کرد و به دورنماهای بهتر و آرمانی‌اندیشید. تأکید می‌کنم، ما باید به این باور برسیم که ورزش برای همه‌ی مردم کشورمان و به ویژه دانش‌آموزان حیات است، حیات!

